متخلقان مردانند که هر که با ایشان بمعارضت و مقاومت بر آید مقهور و مغلوب
گردد صاحب فتوحات مکی که آیات قرآن را با ولیا نسبت کرده گفته است
که آیت شیخ محی الدین عبد القادر قدس سره اینست که وهو القاهر فوق عباده
الوهاب آنکه دایم العطا است بی غرض و بی عوض و موهبتی که بی غرض و عوض است
در حقیقت هیچ دیگری را نیست پس بنده چون دانست که وهاب حقیقی اوست هر چه
خواهد از وی خواهد و توقع و طمع از غیر او نکند و درجه تخلق باین اسم آنست که بذل کند
در راه حق هر چه دارد بی ملاحظه عاجل و ثواب آجل الرزاق رزق پیدا کننده
و رساننده خلق را و رزق چیزی است که منتفع گردد مرزوق بآن هر چه خواه مباح
خواه غیر مباح و رزق دو قسم است محسوس مانند ماکول و مشروب که ابدان راست
و معقول مانند علوم و معارف که ارواح راست و نیز رزق مضمون است که به
لطف حق ضامن آن گشته وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا و رزق
موعود است که برای متقیان بی تعب و مشقت از جایی که گمان ندارند وعده کرده است
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ و رزق مقسوم
که آنچه قسمت شده میرسد خواه مضمون خواه موعود و چون بنده شناخت که رزاق
اوست توقع رزق از غیر او نکند و چون دانست که رزق مقدر است از جهت رزق
دلتنگ نشود شکایت از خلق نکند و درجه تخلق آنست که دست خود را خزانه ارزاق
ابدان و زبان خود را خزانه ارزاق ارواح گرداند و واسطه باشد میان حق و خلق در
ایصال ارزاق جسمانی و روحانی بانفاق و تعلیم و ارشاد و دعای خیر و از وجوه
تخلق است توسعه نفقه بر اهل و عیال و اظهار بشاشت در وقت نزول مهمان
که احسان الهی است شعر شکر خدا کن که مهمان تو روزی خود میخورد از خوان تو

الفتاح

الفتاح فتح گشادن و حکم کردن و بمعنی نصرت نیز آمده است إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا
مُبِينًا پس اوست گشاینده ابواب رزق و رحمت و علم و معرفت بر اصناف
خلقت و اوست حاکم مطلق میان خلایق در دنیا بواسطه اسباب و در آخرت بی واسطه
و بی حجاب و اوست نصرت دهنده مومنان و چون بنده دانست که فتاح اوست
پس بر در لطف و کرم او باشد تا فتح بخشند و تخلق باین اسم آنست که ابواب
احسان و تعلیم بر طالبان بگشاید و فصل خصومت میان مردمان بکند و مظلومان را
نصرت دهد العلیم مبالغه عالم است پس اوست دانای نهان و آشکارا و جزئیات
و کلیات و معلومات الهی غیر متناهی است و چون بنده دانست که اوست
علیم پس ظاهر و باطن خود را از آنچه نباید و ناپسند پاک دارد و نصیب بنده از این
اسم آنست که بتحصیل علوم دینی سعی نماید تا باعث بر عبادت گردد و سبب
صلاح ظاهر و باطن شود القابض الباسط قبض تنگ گرفتن و بسط فراخی و گشادن
ضد یکدیگراند پس اوست تنگ کننده ارزاق محسوسه و معقوله برای بندها بحکمت
و فراخ کننده آن ارزاق برحمت یا تنگ کننده دلهاست بغم و فراخ کننده
دلهاست بشادی و اوست گیرنده ارواح نزد موت یا نوم و رها کننده ارواح
نزد نشر یا یقظه و گفته اند قبض کننده صدقات است از اغنیا و بسط کننده
صدقات است بر فقرا امام غزالی گفته است که قابض و باسط از بندگان آنست
که قبض میکند دلهای بندگان را بتخویف و انذار جلال و کبریای او و بسط میکند
به بشارت لطف و عطای او یا قبض میکند و بخل میورزد در حقایق اسرار
الهی از نااهل و بسط و نشر میکند آن حقایق را بر اهل و بعضی گفته اند که تخلق
باین دو اسم آنست که با نفس اماره باین دو صفت معامله کند تا تربیت او

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)